

# روش‌شناسی یگانه سیاست‌پژوهی

ویژگی‌ها و تفاوت‌ها



انديشكده تدبير آب ايران  
اتاق بازرگاني، صنايع، معادن و كشاورزي كرمان

به نام نردان بخشاینده



# روش‌شناسی یگان‌سیاست‌پژوهی ویژگی‌ها و تفاوت‌ها



انديشكده تدبير آب ايران  
اتاق بازرگاني، صنايع، معادن و كشاورزي كرمان





انديشكده تدبير آب ايران  
اتاق بازرگاني، صنايع، معادن و كشاورزي كرمان

## روش‌شناسی یگانه سیاست‌پژوهی

ویژگی‌ها و تفاوت‌ها

نوشتار حاضر ترجمه‌ای است از:

The Unique Methodology of Policy Research  
By Amitai Etzioni  
Oxford Handbook of Public Policy, ۲۰۰۶.

برگردان: آرش حسینیان

طراحی و صفحه‌بندی: دبیرخانه اندیشکده تدبیر آب ایران

چاپ اول: آذرماه ۱۳۹۴

کلیه حقوق این مقاله، محفوظ و متعلق به اندیشکده تدبیر آب ایران است. استفاده از مطالب با ذکر مأخذ بلامانع است. نشانی: تهران. خیابان کریمخان. خیابان نجات‌اللهی شمالی. روبروی بیمارستان محب یاس. پلاک ۲۱۲. طبقه ۴. واحد ۴.

تلفن: ۸۸۹۴۷۴۰۰ - ۸۸۹۴۷۳۰۰

[www.iwpri.ir](http://www.iwpri.ir)



---

اندیشکده تدبیر آب ایران در سال ۹۱ به عنوان یکی از زیرمجموعه‌های کمیسیون کشاورزی و آب اتاق بازرگانی و صنایع و معادن و کشاورزی کرمان تأسیس گردید. اهداف اصلی اندیشکده عبارتند از توسعه ظرفیت‌ها و فراهم آوردن فضای تعامل و گفت و گو میان ارکان مختلف جامعه، محیط کسب و کار و تشکیلات بخشی و فرابخشی مدیریت آب در کشور در مسیر بهبود حکمرانی آب.

---





## فهرست مطالب

۱	سخن آغازین
۳	پیشگفتار
۷	۱. قابلیت تغییر
۱۳	۲. دامنه تحلیل
۱۵	۳. خصوصی و محرمانه
۱۷	۴. ارتباط و مفاهمه
۲۱	فهرست منابع



## سخن آغازین

اندیشکده تدبیر آب ایران در پاسخ به پرسش‌هایی که در پایان مقاله منتشرشده خود با عنوان «سیاست پژوهی در حوزه آب» مطرح کرده است<sup>۱</sup>، در نظر دارد پاسخ‌های برجسته و حداقل مفیدی را که در این زمینه وجود دارد منتشر سازد. این پاسخ‌ها می‌تواند به صورت مقالات تألیفی یا ترجمه‌ای باشد. برگردان فارسی مقاله حاضر را باید در مسیر این تلاش به حساب آورد. این مقاله در مجموعه مقالاتی که عنوان «دستنامه سیاست عمومی آکسفورد» دارد برای اولین بار در سال ۲۰۰۶ منتشر شد<sup>۲</sup>. نویسنده مقاله، استاد تمام دانشگاه جورج واشنگتن است و در سوابق خود ریاست مرکز سیاست پژوهی را نیز دارد. همچنین، از چهره‌های پیشرو در سیاست پژوهی به شمار می‌آید.

تبیین تفاوت میان «سیاست پژوهی» با «پژوهش‌های اجتماعی پایه» (و همچنین پژوهش‌های اجتماعی کاربردی) موضوع یا موضوعات اصلی است که در مقاله انتخاب‌شده در کانون توجه نویسنده قرار گرفته است. بر این مبنا «پژوهش‌های پایه» به دنبال فهم جهان است، همان‌گونه که هست. اگر چه فهم علت‌های یک پدیده (ثمره پژوهش‌های پایه موفق)، در تدوین سیاست‌ها مفید است، اما غالباً سیاست‌گذاران برای دستیابی به عملکرد مطلوب که الزاماً در مسیر تغییر شرایط است، به حجم زیادی اطلاعات دیگر که به شیوه متفاوت سازماندهی شده‌اند نیز احساس نیاز می‌کنند. تفاوت سیاست پژوهی با پژوهش‌های کاربردی از دیدگاه نویسنده در آن است که پژوهش‌های کاربردی چنین فرض می‌گیرد که درباره سیاست‌ها تصمیم گرفته شده است و حال مسئولان تنها به دنبال مؤثرترین روش‌ها برای اجرای آن هستند؛ اما سیاست پژوهی به تصمیم‌گیری درباره یک سیاست کمک می‌کند. قابلیت تغییر، دامنه و جوانب بررسی، خصوصی و محرمانه بودن، مرادده و ارتباط با جامعه، جنبه‌های اصلی است که در مقایسه سیاست پژوهی و پژوهش‌های پایه اجتماعی نویسنده به آن پرداخته است.

### سیاست‌گذاری

اندیشکده از زحمات آقای آرش حسینیان بابت ترجمه و آقای حمید پشتوان بابت بازبینی و ویرایش نهایی مقاله قدردانی می‌کند.

اندیشکده تدبیر آب ایران

---

۱- سیاست پژوهی در حوزه آب. انوش نوری اسفندیاری. چاپ اول، پائیز ۹۴. اندیشکده تدبیر آب ایران.

۲- Oxford Handbook of Public Policy, ۲۰۰۶.



## پیشگفتار

روش‌شناسی سیاست‌پژوهی باید بسیار متفاوت از روش‌شناسی مورد استفاده در پژوهش پایه باشد، زیرا همواره هدف از سیاست‌پژوهی، تغییر جهان است، در حالی که پژوهش پایه به دنبال فهم جهان است، همان‌طور که هست.<sup>۱</sup> این دیدگاه که اگر جهان را بهتر بفهمیم خود به خود معلوم خواهد شد چگونه آن را بهتر سازیم، از نظر علمی مبنایی ندارد.

اهدافی که به‌طور معمول در سیاست‌گذاری‌ها دنبال می‌شوند عبارتند از کاهش فقر، کنترل جرائم، کاهش آلودگی، یا تغییراتی از این دست (Mitchell and Mitchell ۱۹۶۹, ۳۹۳). حتی آن دسته از سیاست‌هایی که هدف‌شان حفظ وضع موجود است، عملاً به دنبال تغییر هستند - برای نمونه، وقتی به دنبال کاهش روند تخریب و حفاظت از یک بنای طبیعی یا سند تاریخی هستیم. اما وقتی هیچ تغییری دنبال نمی‌شود، یا به عبارتی هیچ‌کس نگران تغییرات رخ داده در یک پدیده (مثلاً وضعیت ظاهری کره ماه) نیست، آنگاه نیازی به سیاست‌پژوهی در آن حوزه خاص نیز احساس نمی‌شود.

علاوه بر این، اگر چه فهم علت‌های یک پدیده (ثمره پژوهش پایه موفق)، در تدوین سیاست مفید است، اما غالباً سیاست‌گذاران برای دستیابی به عملکرد مطلوب، به حجم زیادی اطلاعات دیگر که به شیوه متفاوت سازماندهی شده‌اند نیز احساس نیاز می‌کنند.<sup>۲</sup> سیاست‌پژوهان، از حجم زیادی اطلاعات که هیچ مبنای تحلیلی یا پیشینه نظری (از آن نوع که پژوهش‌های پایه ارائه می‌کند) ندارد بهره می‌گیرند.<sup>۳</sup> در این معنا، علم پزشکی که با تغییر تن و روان انسان‌ها سروکار دارد نمونه‌ای از علم سیاست

---

۱- اولین کتابی که به بررسی علوم سیاست پرداخته و در نتیجه غالباً به آن ارجاع داده می‌شود، کتاب *The Policy Sciences* نوشته Lasswell و Lerner در سال ۱۹۵۱ است. با وجود این، در این کتاب صحبتی از مسائل روش‌شناختی به میان نیامده است. برای آشنایی با اولین اقدامات در این زمینه، به منبع زیر مراجعه کنید: Etzioni ۱۹۷۱b, ۱۹۶۸.

۲- برای آشنایی با نمونه‌ای از نحوه ساختاربندی و ارائه سیاست‌پژوهی و تحلیل سیاست، به منبع زیر مراجعه کنید: Dunn ۱۹۸۱, ۳۲۲.

۳- برای نمونه، بسیاری از سیاست‌گذاران به نظریه‌های جرم‌شناختی George L. Kelling و James Q. Wilson توسل می‌جویند، چرا که این نظریه‌ها به نظرشان کاربردی و روشن است. این در حالی است که این نظریه‌ها بر پژوهش‌های آکادمیک استوار نیستند. برای آشنایی با انتقادات از این رویکرد به جرم‌شناسی، نگاه کنید به:

محسوب می‌شود. تخمین زده می‌شود که نیمی از اطلاعاتی که پزشکان به کار می‌گیرند هیچ‌بنیادی در زیست‌شناسی، شیمی یا دیگر علوم ندارد، بلکه بیشتر مبتنی بر تجربیات انباشته‌شده است.<sup>۱</sup> این دانش تجربی، از یک گروه پزشکی به دیگری منتقل می‌شود، تحت این عنوان که «اینها شیوه‌هایی هستند که کارها به سرانجام می‌رسند» یا این عنوان که «این روش‌ها جواب می‌دهد».

همین موضوع درباره دیگر علوم سیاست نیز صادق است. برای نمونه، جرم‌شناسی را در نظر بگیرید. یک جرم‌شناس که با تکیه بر مطالعات به مقامات دولتی اعلام می‌کند فرایند بازپروری در زندان‌هایی با حداقل شرایط امنیتی، بهتر از زندان‌هایی با حداکثر شرایط امنیتی به شکلی مؤثرتر صورت می‌گیرد،<sup>۲</sup> در کنارش به واسطه تجربیات طولانی می‌داند که بهتر است علاوه بر آن یافته‌ها، مقامات محلی را مطلع سازد که این نوع کاستن از امنیت زندان، ممکن است عواقبی نظیر فرار زندانیان و وقوع جرائم در مناطق پیرامون زندان را نیز به همراه داشته باشد. اگر این نوع «پیامد جنبی» ناشی از تغییر سیاست‌های امنیتی زندان نادیده گرفته شود ممکن است مقامات دولتی که این سیاست را در پیش بگیرند انتخابات بعدی را از دست بدهند و شرایط امنیتی زندان به سطح بالای پیش از آن بازگردد. نکته اینجا است که در بحث‌های نظری جامعه‌شناختی، هیچ مدرکی مبنی بر افزایش فرارها به دلیل کاسته‌شدن از اقدامات امنیتی زندان‌ها وجود ندارد. در واقع، این مشاهده‌ای است که مبتنی بر عقل سلیم و تجربه است، و با وجود این، سیاست‌گذاران - سیاست‌پژوهان که جای خود دارد - به هیچ وجه نباید آن را نادیده بگیرند. (آنها ممکن است به دنبال شیوه‌هایی برای غلبه بر این پیامدهای ناخواسته برآیند. برای نمونه، از طریق آماده‌سازی افکار عمومی پیش از رخداد، یا ایجاد یک سامانه هشداردهنده در هنگام فرار زندانیان، یا برخی اقدامات دیگر).

با این نمونه‌ها تنها می‌خواهیم نشان دهیم که چه تفاوتی بین اطلاعات تولیدشده در پژوهش پایه و اطلاعاتی که نقش بزرگی در سیاست‌پژوهی ایفا می‌کنند وجود دارد. به عبارت دیگر، بخش‌های مهمی

---

Miller ۲۰۰۱.

۱- «بخش اعظم» علم پزشکی، بر شواهد و مدارک علمی استوار نیست (Inglefinger, Relman, and Findland ۱۹۶۶).  
«۸۵ درصد از مشکلاتی که پزشک در مورد بیمارش تشخیص می‌دهد در کتاب نیامده است.» (به نقل از یک پزشک در ۱۶، ۱۹۸۳). (Schon)

۲- نگاه کنید به: ۲۴۶۷، Etzioni ۱۹۷۱a.

از دانش وجود دارد که سیاست پژوهی از آنها بهره می گیرد و در عین حال مبتنی بر تجربیات بوده و قابل حصول از پژوهش های پایه نیستند. بخش زیادی از آنچه در ادامه می آید به تفاوت های مهمی می پردازد که از نظر شیوه سازماندهی اطلاعات و تحلیل ها میان سیاست پژوهی منطقی و پژوهش پایه وجود دارد.

پیش از آنکه ادامه دهیم یک نکته دیگر نیز باید روشن شود: نباید سیاست پژوهی را با پژوهش کاربردی<sup>۱</sup> اشتباه گرفت. پژوهش کاربردی چنین فرض می گیرد که درباره یک سیاست تصمیم گرفته شده است و حال مسئولان تنها به دنبال مؤثرترین روش ها برای اجرای آن هستند. سیاست پژوهی به تصمیم گیری درباره یک سیاست کمک می کند.

---

۱- applied research





## قابلیت تغییر

یک تفاوت عمده میان سیاست‌پژوهی و پژوهش پایه این است که برای سیاست‌پژوهی، قابلیت تغییر<sup>۱</sup> یک متغیر کلیدی است، اما برای پژوهش پایه چنین نیست (Weimer and Vining ۱۹۸۹; ۴). در واقع شاید بتوان گفت برای سیاست‌پژوهان، مهم‌ترین متغیر است. قابلیت تغییر برای اهداف مورد نظر باید به عنوان مقدار منابع (شامل زمان، انرژی، و سرمایه سیاسی) تعریف شود که لازم است برای ایجاد تغییر در یک متغیر یا متغیرهای معین صرف شود. مسئله قابلیت تغییر برای سیاست‌پژوهی، یک مسئله جدی است، زیرا در این حوزه، منابع همواره کمتر از آن چیزی است که برای پیاده‌سازی اهداف سیاست مورد نظر نیاز است. بنابراین، برای به کارگیری منابع به شکل مؤثر، لازم است ابتدا روشن شود که پیامدهای انتخاب هر سیاست چه خواهد بود (Dunn ۱۹۸۱, ۳۳۴-۴۰۲). در مقابل، هیچ دلیل اصولی برای ترجیح برخی عوامل (یا متغیرها) بر عوامل دیگر وجود ندارد. برای پژوهش پایه، چندان فرقی نمی‌کند که عوامل تحت پژوهش تا چه حد قابلیت تغییر دارند و اگر قابل تغییر هستند هزینه ایجاد این تغییرات چه مقدار است. برای نمونه، بسیاری از پژوهش‌های جامعه‌شناختی، افراد را از نظر جنسیت و سن مقایسه می‌کنند، اما برای سیاست‌پژوهی اگر چه این متغیرها ممکن است مرتبط به نظر برسند اما ارزش محدودی برای سیاست‌پژوهی دارند. دیگر متغیرهای مورد استفاده، نظیر سطح درآمد بخش‌های مختلف جمعیت، میزان تحصیلات گروه‌های قومی و نژادی مختلف، و اندازه متوسط شهرها تا اندازه‌ای قابلیت تغییر بیشتری دارند اما باز هم نه آن قدر زیاد. اما بر خلاف اینها، ذهنیت و برداشت مردم قابلیت تغییر زیادی دارد.

ممکن است کسی بگوید تمرکز پژوهش پایه باید بیشتر معطوف به مطالعه متغیرهایی باشد که تا به حال کمتر مورد پژوهش قرار گرفته است؛ با این همه، چنین رویکردی بیشتر به جنبه‌های اقتصادی و سیاسی علم مربوط می‌شود تا روش‌شناسی. از آنجایی که همه یافته‌های علمی حالتی مشروط و موقتی دارند و غالباً به طور جدی نیازمند بازنگری و بازسازی هستند، برای پژوهش‌گران پایه، بازآزمایی یافته‌های قدیمی همان قدر می‌تواند ارزشمند باشد که داخل کردن متغیرهای جدید. به طور خلاصه، اگر

---

۱- malleability

چه در منطق پژوهش پایه، مطالعه همه متغیرها موجه است، اما در یک بازه زمانی معین، یا در بین گروه معینی از دانشمندان، ممکن است تعدادی از متغیرها «جالب‌تر» یا «نویدبخش‌تر» از بقیه در نظر گرفته شوند. در مقابل، برای سیاست‌پژوهی همان طور که پیش‌تر گفته شد، اینقابلیت تغییر است که مهم‌ترین متغیر است، چرا که اساساً فلسفه وجودی این نوع پژوهش‌ها نیز دقیقاً همین است: ایجاد تغییر.

با توجه به سایه سنگین روش‌شناسی پژوهش پایه بر سیاست‌پژوهی، تعجبی ندارد که این پرسش که کدام متغیرها از بقیه قابلیت تغییر بیشتری دارد به ندرت به طور نظام‌مند مورد بررسی قرار گرفته است. به علت اهمیت این موضوع برای سیاست‌پژوهی بد نیست چند نمونه ذکر کنیم و موضوع را قدری ژرف‌تر بشکافیم. امکان‌پذیری اقتصادی<sup>۱</sup>، یک نمونه خوب از این موضوع است. در بسیاری از گزارش‌های نهایی سیاست‌پژوهان، هیچ‌گونه تخمینی - حتی تخمینی خام - از هزینه‌های لازم برای اجرای توصیه‌ها دیده نمی‌شود.<sup>۲</sup> امکان‌پذیری سیاسی، یا اینکه آیا تغییرات پیشنهادی، برای نمایندگان مردم و در مقیاس بزرگ‌تر برای توده مردم می‌تواند قابل پذیرش باشد یا نه، از آن هم کمتر مورد توجه قرار می‌گیرد (Weimer and Vining ۱۹۸۹, ۲۹۲-۳۲۴). برای نمونه، در دهه‌های اخیر چند گروه مختلف برای پیشبرد اهداف سیاسی‌شان ترجیح داده‌اند از اصلاحات قانون اساسی استفاده کنند، بی‌آنکه موانع به غایت دشوار این اقدام را در نظر گرفته باشند.

در موارد دیگر نیز، امکان‌پذیری به عنوان یک پرسش «کاربردی» ثانویه در نظر گرفته می‌شود که باید بعدتر درباره آن مطالعه شود، پس از آنکه سیاست‌گذاران سیاست مورد نظر را در پیش گرفتند. این در حالی است که مسئله، بسیار عمیق‌تر از صرفاً بررسی امکان‌پذیری این یا آن توصیه است. چالش سیاست‌پژوهی، تعیین مقاومت نسبی متغیرهای متفاوت در برابر تغییراتی است که باید با آنها روبرو شوند. این پرسش نباید به عنوان یک مسئله موقت، بلکه به عنوان یک بخش عمده در هر سیاست‌پژوهی نظام‌مند در نظر گرفته شود. علاوه بر این، اگر متغیرهای مورد نظر از این منظر بررسی شوند ممکن است در خودشان تغییراتی داده شود؛ به عبارت دیگر امکان‌پذیری بهتر می‌شود، به جای آنکه معلوم پنداشته شود.

---

۱- Economic feasibility

۲- برای نمونه نگاه کنید به:

یک مثال دیگر از ضرورت دقت به مسئله قابلیت تغییر در سیاست پژوهشی، تلاش برای ایجاد تغییر در نگرش جامعه است. معمولاً سیاست گذاران هرگاه که تمایل به تأثیرگذاری بر باورهای افراد دارند اقدام به برپاسازی یک کمپین آموزش همگانی می کنند. آنان غالباً فرض شان بر این است که ایجاد تغییر در پیش فرض های مردم با توسل به آنچه رویکرد «Madison Avenue» خوانده می شود امکان پذیر است. این رویکرد به اجرای مجموعه ای از اقدامات تجاری (یا آگهی های عمومی)، برپاسازی بیلبوردها، جلب حمایت برخی افراد مشهور و از این قبیل کارها اشاره دارد.

برای نمونه، ایالات متحده در سال ۲۰۰۳ و ۲۰۰۴ یک چنین کمپینی ایجاد کرد تا ذهن و قلب «عرب زبانان» را از طریق آنچه «دیپلماسی عمومی»<sup>۱</sup> نامیده شده تغییر دهد.<sup>۲</sup> شیوه ای که برای دستیابی به این هدف در پیش گرفته شد یک نمونه آشکار از بی توجهی نسبت به مسئله امکان پذیری است. این دیپلماسی عمومی آمریکایی، که توسط وزارت امور خارجه راه اندازی شد، شامل آگهی های تبلیغاتی، راه اندازی وبسایت ها، و سخنرانی هایی می شد که هدفشان «ایجاد پیوند مجدد بین میلیون ها مسلمان جهان با ایالات متحده بود، با توسل به همان ترفندهایی که تیتراهای مک دونالد برای جذب میلیاردها مشتری اش به کار می گیرد.» (SatloV ۲۰۰۳، ۱۸). این اقدام بر فرض استوار بود که «تهاجم بی امان به کشورهای عرب و مسلمان، با ویدئوهایی از Britney Spears و برنامه های کمدی به زبان عربی، در میلیون ها مسلمان جدید واشینگتن حس همدلی ایجاد خواهد کرد.» (SatloV ۲۰۰۳، ۱۸) این در حالی بود که پژوهشی که پس از آن انجام شد حاکی از نتایج «فاجعه بار» این طرح بود (SatloV ۲۰۰۳، ۱۸). برخی کشورها از پخش این پیام ها خودداری کردند و برای بسیاری از مسلمانان، این اقدامات چیزی جز تبلیغاتی خودمحرانه، توطئه آمیز و آزاردهنده نبود- چه رسد به آنکه بخواهد در آنها همدلی برانگیزد.

آن دسته از سیاست پژوهان که بر مسئله امکان پذیری تمرکز دارند عنوان می کنند که رویکرد «Madison Avenue»، تنها هنگامی کارگر واقع می شود که مقدار هنگفتی پول صرف هدایت افراد از مصرف یک محصول به دیگری شود- آن هم زمانی که تفاوت چندانی بین آن دو وجود ندارد (مثلاً دو

---

۱- Public diplomacy

۲- برای نمونه، نگاه کنید به گروه مشورتی دیپلماسی عمومی در جهان عرب و مسلمان:

“Changing minds, winning peace: a new strategic direction for U.S. public diplomacy in the Arab and Muslim world,” Oct, ۲۰۰۳, Edward P. Djerejian, chair.

مارک تجاری خمیردندان) و در وهله اول دلیلی برای استفاده از آن محصول وجود دارد. اما وقتی این روش‌ها برای تغییر نگرش مردم درباره موضوعاتی به پیچیدگی استفاده از کاندوم<sup>۱</sup>، سازمان ملل<sup>۲</sup>، تغییر قوانین انتخابات ریاست‌جمهوری و از این قبیل به کار گرفته می‌شود، ضریب موفقیت این ترفندها بسیار پائین می‌آید.

تغییر رفتار مردم - مثلاً برای صرفه‌جویی در مصرف انرژی، رانندگی با سرعت پائین‌تر، کنار گذاشتن سیگار، صدها برابر دشوارتر است. دلیل اصلی اینکه چرا رژیم‌های تمامیت‌خواه، با وجود برپاسازی کمپین‌های آموزش همگانی گسترده برای چنین اهدافی، معمولاً شکست می‌خورند دقیقاً همین نکته است. در واقع، این پرسش که چه کاری از همه امکان‌پذیرتر است توسط فرمان سیاست‌گذاران و خدمه آنها تعیین می‌شود و نه توسط مطالعات سیاست‌پژوهان. بنابراین، تصمیم‌گیری‌ها غالباً مبتنی بر برداشتی احساسی و شهودی از اینکه چه چیزی قابلیت تغییر بیشتری دارد صورت می‌گیرد تا با تکیه بر شواهد تجربی.<sup>۳</sup> یکی از معدود موارد استثنا، مطالعات ملت‌سازی<sup>۴</sup> است که در آن، چندین سیاست‌پژوه برجسته،

---

۱- برای نمونه، مرکز کنترل بیماری‌ها یک کمپین ده‌ساله برای آموزش مردم ایالات متحده در مورد کاندوم و ترغیب افراد به استفاده از آن به منظور جلوگیری از انتقال HIV برگزار کرد. پس از صرف میلیون‌ها دلار برای این تبلیغات، مطالعه مرکز کنترل بیماری‌ها نشان داد که تنها ۴۵ درصد از دانش‌آموزان دبیرستانی از نظر جنسی فعال، در آخرین فعالیت جنسی‌شان از کاندوم استفاده کرده بودند. نگاه کنید به: Scott ۱۹۹۴. همچنین در یک ارزیابی در مقابل این پرسش که «آیا کمپین تلویزیونی دولت آمریکا برای ایدز و HIV تنها برای اطلاع‌رسانی به عموم مردم در مورد این بیماری‌ها بوده است یا اینکه علاوه بر آن قصد ارسال پیامی برای ترغیب و تغییر رفتار افراد را نیز داشته است؟» پاسخ اکثر افراد این بود که این کمپین صرفاً قصد اطلاع‌رسانی داشته است. نگاه کنید به:

DeJong, Wolf, and Austin ۲۰۰۱, ۲۵۶.

از ۵۶ تبلیغی که مورد بررسی قرار گرفت، ۵۰ مورد توسط مرکز کنترل بیماری‌ها ایجاد شده بود، و ۶ مورد دیگر توسط مؤسسه ملی سوء مصرف دارو صورت گرفته بود.

۲- Star and Hughes ۱۹۵۰, quoted in Berelson and Steiner ۱۹۶۴, ۵۳۰.

۳- در واقع، Carol Weiss عنوان کرده است که برخلاف علم، در حوزه سیاست‌گذاری ممکن است جدا کردن دانش عینی از ایدئولوژی یا منافع ناممکن باشد. نگاه کنید به: Weiss ۱۹۸۳.

۴- Nation Building اشاره دارد به ساخت یک هویت ملی تحت اراده دولت و با استفاده از قدرت دولتی. این مفهوم محدودتر از عبارت «شکل‌دهی به یک ملیت» است که طی آن یک ملیت زاده می‌شود - م

دلایلی ارائه دادند که چرا چنین اقداماتی در بهترین حالت تنها به شیوه‌ای آرام قابل انجام است. در حالی که در همان زمان، برخی از سیاست‌گذاران ادعا کردند که این کار، با دستوری کوچک و با هزینه‌ای پائین قابل حصول است.<sup>۱</sup>

در یک تلاش مقدماتی برای تعیین قابلیت تغییر نسبی عوامل گوناگون، ممکن است کسی یادآور شود که به عنوان یک قاعده:

- قوانین طبیعت قابلیت تغییر ندارند.
- مناسبات اجتماعی از جمله الگوهای توزیع دارایی و قدرت، قابلیت تغییر محدودی دارند؛ و
- مناسبات نمادین، قابلیت تغییر بالایی دارند.

از این رو، هر نهاد سیاست‌گذاری که مثلاً به دنبال تغییر میزان نیروی جاذبه باشد، نه برای یک وضعیت خاص (برای نمونه شبیه‌سازی سفر فضایی)، بلکه به طور کلی با وضعیتی به غایت دشوار روبرو است. در مقابل، آنهایی که به دنبال ایجاد تغییر در مثلاً طرح و رنگ پرچم ملی کشور یا راه‌هایی که مردم به جای فلان عبارت از دیگری استفاده کنند (مثلاً استفاده از آرامستان به جای قبرستان)<sup>۲</sup> کارشان به طور نسبی آسان‌تر است. توسل به سیاست‌گذاری عمومی به منظور ایجاد تغییرات در توزیع ثروت در میان طبقات یا نژادها، آسان‌تر از تغییر قوانین طبیعت است، اما بسیار دشوارتر از تغییر قلب‌ها و ذهنیت‌ها است.

وقتی سیاست‌پژوهان یا سیاست‌گذاران، این ملاحظات را نادیده می‌گیرند و قوانینی وضع می‌کنند که به دنبال ایجاد تغییرات بزرگ و سریع در مناسبات قدرت و الگوهای اقتصادی است، قوانین مذکور به زودی شکست می‌خورند. نمونه‌ای از این دست، تحولاتی بود که پس از آن اتفاق افتاد که یک سیاست‌پژوه تلاش کرد تا «حداکثر مشارکت عملی قشر فقیر» را در قالب قانون درآورد. این قانون می‌خواست ساختارهای رایج قدرت محلی را با هدایت بودجه‌های فدرال به سمت گروه‌های داوطلب دور بزند. اقشار فقیر در ترکیب هیئت مشاوران این قبیل گروه‌ها حضور داشتند و بدین ترتیب به

---

۱- نگاه کنید به: Carothers ۱۹۹۹; Etzioni ۲۰۰۴

۲- در مثال به کاررفته در متن اصلی، از واژه «بانو» به جای «دختر» استفاده شده بود که به نظر می‌رسید برای خواننده فارسی‌زبان چندان ملموس نباشد. از این رو از مثال دیگری استفاده شد- م

«توانمندسازی فقرا» کمک می‌شد. اما این قانون، مدت کوتاهی پس از آن لغو شد. در نمونه‌ای دیگر، اصلاحیه‌ای در قانون اساسی در راستای ممنوع کردن مصرف مشروبات الکلی در ایالات متحده به تصویب رسید و عملاً نه تنها در زمینه کاستن از مصرف الکل راه به جایی نبرد، بلکه اثرات وارونه‌ای بر عدالت امریکایی و نظام‌های اجرای قانون داشت. همچنین، این اصلاحیه تا آن زمان، تنها اصلاحیه‌ای بود که پس از تصویب، لغو شده بود.

در میان تغییرات اجتماعی، غالباً کاستن از نابرابری‌های حقوقی و سیاسی نسبتاً آسان‌تر از تغییرات اجتماعی-اقتصادی در امور مشابه است. به همین دلیل است که زنان و شهروندان آفریقایی تبار ایالات متحده، حق قانونی و مسلم شرکت در انتخابات را مدت‌ها قبل از افزایش درآمدهایشان و دستیابی به موقعیت اجتماعی نزدیک‌تر به موقعیت سفیدپوستان (در مورد آفریقایی تباران) و مردان (در مورد زنان) به دست آوردند. امروز نیز هنوز نابرابری‌های اجتماعی-اقتصادی، به اندازه نابرابری‌های حقوقی-سیاسی کاهش نیافته است، هر چند که حتی در همان حوزه‌های حقوقی و سیاسی نیز هنوز نابرابری‌های چشمگیری به چشم می‌خورد. این موضوع محدود به ایالات متحده نیست، و در دیگر جوامع آزاد و آنهایی که اخیراً آزاد شده‌اند نیز صادق است.

به طور خلاصه، تفاوت‌های مهمی وجود دارد که تغییرشان نیازمند تخصیص منابع، سرمایه سیاسی و آموزش همگانی است. سیاست‌پژوهی منطقی، به بهترین شکل قادر است تعیین کند کدام دسته از عوامل قابلیت تغییر بیشتری نسبت به عوامل دیگر دارند. بیشتر بودن قابلیت تغییر، از موضوعات مهم مطالعه به شمار می‌آید.

## دامنه تحلیل

یک تفاوت مهم دیگر میان روش‌شناسی پژوهش پایه و سیاست‌پژوهی، دامنه عواملی است که مشمول مطالعه قرار می‌گیرند. سیاست‌پژوهی در بهترین حالت، تمام جنبه‌های اصلی پدیده اجتماعی مورد بررسی را در بر می‌گیرد.<sup>۱</sup> در مقابل، پژوهش‌های پایه، جهان را به قطعات انتزاعی و تحلیلی برش می‌زند و سپس هر یک را به طور منفرد مطالعه می‌کند.

یک بذله‌گو چنین عنوان کرده که در علم اقتصاد هر چیزی قیمتی دارد، در حالی که در جامعه‌شناسی هیچ چیز دارای قیمت نیست. وقتی سیاست‌گذاران و بنابراین پژوهشگران، سیاست‌های ارجحیت‌دار را بدون توجه به اثرات بلندمدت اقتصادی و بودجه‌ای آنها - یا تأثیر سیاست بر مناسبات اجتماعی از جمله خانواده‌ها (مثلاً طرح ترجیح مالیاتی برای مجردها)، طبقات اجتماعی - اقتصادی (مثلاً مالیات املاک) و از این قبیل صورت‌بندی می‌کنند، نقص بزرگی را با خود یدک می‌کشند.

به بیانی ساده‌تر، یک پژوهشگر پایه ممکن است فقط قیمت گُل‌ها (همراه با دیگر عوامل اقتصادی) را به خوبی مطالعه کند؛ یک فیزیولوژیست فرایندهای پُرمردن گُل‌ها را مطالعه کند؛ یک روان‌شناس اجتماعی، معنای نمادین گُل‌ها را مطالعه کند؛ و به همین منوال. اما وقتی در یک محله برای گُل‌کاری در پارک‌های عمومی برنامه‌ریزی می‌شود، باید با بیشتر - اگر نه همه - این عناصر و روابط میان آنها سر و کار پیدا کند. گُل‌هایی که به سرعت پُرمرده می‌شوند برای پارک‌های عمومی مناسب نیستند. در مقابل، تمایل پرداخت این اجتماع برای گُل‌هایی که طول عمر بیشتری دارند یا گُل‌هایی که معنای نمادین مثبتی را تداعی می‌کنند و از این قبیل بیشتر است.

پزشکی نیز مدل دیگری از علم سیاست به شمار می‌آید. پزشکی نمی‌تواند تنها بر زیست‌شناسی، شیمی، آناتومی یا هر علم منفرد دیگر تکیه کند که زیرمجموعه‌ای از متغیرها درباره بدن را مطالعه می‌کنند. در عوض، پزشکان از تمامی این علوم بهره می‌گیرند و مشاهدات‌شان درباره اثرات برهم‌کنش این متغیرها را نیز به آن اضافه می‌کنند. اینها بر روی هم، دانش پزشکی را شکل می‌دهند و مبنای

---

۱- Roe ۱۹۹۸. برای آشنایی با یک دیدگاه آکادمیک درباره سیاست‌پژوهی، نگاه کنید به: Nelson ۱۹۹۹.



توصیه‌های سیاستی (یعنی همان تجویزهای پزشکی) قرار می‌گیرند. در واقع، پزشکان غالباً هرگاه که برخی از متغیرها، مثلاً متغیرهایی که روانشناسان و انسان‌شناسان مطالعه کرده‌اند) را به حساب نیاورده‌اند، مورد سرزنش قرار گرفته‌اند. به طور مشابه، روابط بین‌الملل نیز در زمره علم سیاست قرار می‌گیرد، چرا که به بهترین شکل، متغیرهایی را که توسط اقتصاددانان، دانشمندان علوم سیاسی، حقوق‌دانان و بسیاری دیگر مطالعه شده‌اند ترکیب می‌کند.

در مجموع، اگر چه دامنه متغیرهایی که مشمول پژوهش پایه قرار می‌گیرند می‌تواند کاملاً موجه و اثربخش باشد، اما از نظر گستره محدود هستند. در مقابل، سیاست‌پژوهان باید التقاطی‌تر باشند و حداقل، تمامی متغیرهایی را بگنجانند که سطح معناداری از پتانسیل تغییر را در پدیده مورد بررسی داشته باشند.

## خصوصی و محرمانه

پژوهش پایه، یک تلاش علنی است. به عنوان یک قاعده، نتایج آن منتشر می‌شود تا دیگران بتوانند آنها را نقادانه ارزیابی کرده و در کنار یافته‌های خود و دیگران قرار دهند تا بیکره محکم‌تر و جامع‌تر دانش ساخته شود. غالباً هنگام ارزیابی دانشمندان برای استخدام یا اهدای جایزه یا اموری از این دست، به آثار منتشر نشده آنها توجه نمی‌شود، به ویژه زمانی که آن اثر، به دلایل تجاری یا امنیت عمومی، مخفی نگاه داشته می‌شود. در گذشته، یافته‌های علمی در قالب تک‌نگاشت‌ها، کتاب‌ها، مقالات و مجلات مناسب منتشر می‌شدند. در واقع، اینها عرضه‌گاه‌های اصلی یافته‌های پژوهش پایه بودند، هم به این دلیل که تنها از طریق این نوع عمومی‌سازی بود که یافته‌های علمی می‌توانستند به بخشی از دانش علمی رو به انباشت تبدیل شوند، و نیز به این دلیل که انتشار نشان می‌داد آنها از صافی مذاقه متخصصان عبور کرده‌اند. به واقع، تنها از طریق ارزیابی همکاران<sup>۱</sup> است که شواهد و مدارک می‌تواند مورد نقادی و موشکافی قرار گیرد. در سال‌های اخیر، اگر چه یافته‌ها همچنان انتشار عمومی می‌یابند، اما به طور روزافزونی در وبسایت‌ها قرار می‌گیرند، در حالی که بیشتر آنها فاقد بررسی نقادانه متخصصان است. این یکی از دلایلی است که چرا آنها در مقایسه با قبل کمتر قابل اعتماد هستند و نمی‌توان آنها را انتشار یافته عمومی تلقی کرد. انتشار عمومی برای پژوهش پایه، هنوز هم یک عنصر اساسی در نظر گرفته می‌شود.

در مقابل، یافته‌های سیاست‌پژوهی غالباً منتشر نمی‌شوند- بلکه در فضای خصوصی به این یا آن سیاست‌گذار ارائه می‌شود (Radin ۱۹۹۷, ۲۰۴-۱۸). هدف اصلی از سیاست‌پژوهی، ایفای سهم در فرایند ساخت عمارت دانش نیست، بلکه مفید فایده‌ساختن استفاده از دانش موجود است. به تعبیری عمیق‌تر، سیاست‌پژوهی غالباً عمومی نیست، بلکه مشتری‌گرا است.<sup>۲</sup> اگر چه برخی از مطالعات سیاست‌پژوهی

---

۱- Peer review

۲- نگاه کنید به:

“Professional practice symposium: educating the client,” *Journal of Policy Analysis and Management*, ۲۱ (۱: ۲۰۰۲): ۱۱۵-۳۶.

توسط اندیشکده‌ها<sup>۱</sup> و دانشکده‌های سیاست عمومی صورت می‌گیرد و ممکن است با موضوع شبیه به پژوهش پایه رفتار کنند، اما معمولاً در واحدهای تخصصی دستگاه‌های دولتی انجام می‌شوند، مثلاً در کاخ سفید<sup>۲</sup>، تشکل‌های صنفی و اتحادیه‌های کاریگری. علاوه بر این، ابزارهای سیاست پژوهی عمدتاً یادداشت کوتاه و جلسات توجیهی است و نه انتشار عمومی.

یافته‌های سیاست‌پژوهان، غالباً محرمانه در نظر گرفته می‌شوند یا (آن طور که در کشورهایی که آزادی‌های مدنی در آنها کم‌رنگ‌تر از ایالات متحده است) اقدامات مخفیانه دولت بر آنها حاکم است. بنابراین، یافته‌ها صرفاً یک مشتری خاص، یا گروهی از مشتریان را هدف قرار می‌دهند و اشتراک‌گذاری عمومی آنها، اقدامی در دسرساز تلقی می‌شود.<sup>۳</sup>

---

۱- Think Tanks

۲- White House

۳- برای نمونه، وزارت دفاع ایالات متحده، اندیشکده Washington را از انتشار عمومی گزارش کامل درباره فقدان آمادگی دولت در برابر حملات بیولوژیکی (bioterror) منع کرده است. نگاه کنید به: Miller ۲۰۰۴.

## ارتباط و مفاهمه

پژوهش گران پایه، در مقایسه با سیاست پژوهان، به عنوان یک قاعده، معمولاً بسیار کمتر درگیر مراد و ارتباط با جامعه- به ویژه با توده مردم- هستند. در نگاه اول ممکن است این گفته در تناقض با نکته پیش تر گفته شده به نظر آید که علم (به تعبیر پژوهش پایه)، عمومی است، در حالی که سیاست پژوهی غالباً خصوصی در نظر گرفته می شود (حتی وقتی که برای مقامات عمومی انجام می شود). اما چنین نیست؛ چرا که پژوهش گران پایه، تنها ملزم به این هستند که یافته هایشان را با هم قطارانیشان به اشتراک بگذارند، غالباً یک گروه کوچک، و برای اعتبار علمی و روانی، به دنبال دریافت بازخورد از آنها هستند. با این همه، به عنوان یک قاعده، پژوهش گران پایه علاقه اندکی به مفاهمه با اکثریت مردم دارند. حتی نسبت به آن دسته از همکارانشان که به دنبال ارتباط با چنین مخاطبانی هستند، نگاهی سرزنش وار دارند، مانند Jay Gould و Carl Sagan (۲۰۰۳، ۵۷-۶۰) (Etzioni).

در مقابل، سیاست پژوهان غالباً بر ضرورت جلب حمایت عمومی برای سیاست هایی که مساعد یافته های آنان است واقف هستند و بنابراین، تمایل دارند به سیاست گذاران در جلب این حمایت، از طریق ارتباط و مفاهمه با عموم کمک نمایند. در این زمینه James Fishkin، ایده «دموکراسی شورایی»<sup>۱</sup> را مطرح کرده است: یعنی گرد هم آوردن گروهی از افراد به عنوان نمونه ای زنده از جامعه، که برای یک بازه زمانی در معرض آموزش همگانی توسط چهره های مشهور قرار می گیرند و به آنها فرصت گفت و گو داده می شود. وی سپس با سنجش تغییراتی که در دیدگاه های این افراد ایجاد می شد نشان داد که فرد می تواند بیاموزد چطور اذهان عمومی را تغییر دهد. Fishkin به ابداع این مفهوم و انتشار ایده هایش بسنده نکرد و علاوه بر آن، از طریق رادیو، تلویزیون، روزنامه ها، دیدار با رهبران مردمی و از این قبیل، یک کمپین طولانی و متمرکز به راه انداختن تا اینک توانست گروه های نمونه را در چندین مکان مختلف پیاده سازی کند (Fishkin ۱۹۹۷). در واقع، به قول Eugene Bardach، «سیاست پژوهان باید خود را

---

۱- Deliberative democracy

برای یک کمپین طولانی و به طور بالقوه متشکل از نقش آفرینان مختلف، از جمله توده مردم آماده کنند.» (Bardach ۲۰۰۲، ۱۱۵-۱۷)

پژوهشگران پایه، به احتمال بیشتری از واژه‌های فنی، نمادهای ریاضی، پانویس‌های گسترده، و سایر ویژگی‌های علمی از این دست استفاده می‌کنند. از سویی دیگر، سیاست‌پژوهان به احتمال بیشتری خود را به زبانی ساده ابراز و از عبارات‌های فنی پرهیز می‌کنند.

به آسانی می‌توان آثار منتشرشده فراوانی از استادان دانشکده‌های سیاست عمومی و حتی اندیشکده‌ها یافت که اگر نگوییم کلاً اما تا حد زیادی شبیه به آثار تولیدشده توسط پژوهش‌گران پایه است.<sup>۱</sup> دلیلش این است که این دانشکده‌ها عمدتاً سرگرم انجام پژوهش‌های پایه هستند و حجم سیاست‌پژوهی در آنها به شدت پائین است. برای نمونه، جستجوی عبارت «Policy research methodology» در موتور جستجوگر گوگل در ۲۸ آوریل ۲۰۰۴، تنها ۲۱۰ نتیجه را به دست داد که بخش قابل توجهی از آنها نیز به کلاس‌های دانشگاهی در این موضوع مربوط می‌شد. اما با نگاهی دقیق‌تر معلوم شد که اکثر این نتایج، در عمل به پژوهش‌های پایه مربوط هستند و نه سیاست‌پژوهی. برای نمونه، در توصیف یک دوره آموزشی با عنوان «Cultural Policy Research Methodology» در دانشگاه Griffith در استرالیا آمده است: «تکنیک‌های پژوهش پایه، به ویژه روش‌شناسی پیمایش، روش‌های کیفی و رویکرد عمیق‌تر به علم آمار». تعدادی از نتایج دیگر نیز به کلاس‌های سیاست یا روش‌شناسی پژوهش (معمولاً پایه) تعلق داشتند. دو دلیل اصلی برای این موضوع می‌توان ذکر کرد: (الف) مراکز اندکی وجود دارد که افراد بتوانند در آنها برای آشنایی با روش‌شناسی خاص سیاست‌پژوهی آموزش ببینند و (ب) ساختار تشویقی تا حد زیادی به سمت پژوهش پایه جهت‌گیری دارد.

---

۱- برای نمونه، نگاه کنید به گزارش‌های بخش پژوهش خانواده در بنیاد Heritage، که در آدرس زیر در دسترس قرار دارد:

[www.heritage.org/research/family/issues2004.cfm](http://www.heritage.org/research/family/issues2004.cfm) (accessed ۲۹ Apr. ۲۰۰۴).

همچنین نگاه کنید به: «The war on drugs: addicted to failure»، توصیه‌های کمیسیون شهروندی سیاست دارویی ایالات متحده که در آدرس زیر موجود است:

[www.ipsdc.org/projects/drugpolicy.htm](http://www.ipsdc.org/projects/drugpolicy.htm) (accessed ۲۹ Apr. ۲۰۰۴).

معمولاً ارتقای رتبه (به ویژه سمت دائمی) در دانشکده‌های سیاست عمومی، از طریق ارزیابی‌ها و رأی همکاران ارشد دپارتمان‌های پژوهش پایه در همان دانشگاه یا دانشگاه‌های دیگر صورت می‌گیرد. بنابراین، آینده یک اقتصاددان در مدرسه بازرگانی هاروارد ممکن است به آنچه همکاران وی در دپارتمان اقتصاد هاروارد درباره آثار او می‌اندیشند بستگی داشته باشد. به بیانی ساده‌تر، دعوت شدن به عضویت در دپارتمان پژوهش پایه، یک روش کسب اعتبار و یک فرصت برای تقویت زمینه آموزشی و پژوهشی در نظر گرفته می‌شود. عکس این قضیه هم وجود دارد، یعنی پیوستن به یک دانشکده سیاست (همانند دانشکده‌های دیگر) ممکن است به رسمیت شناخته نشود و یک نقطه‌ضعف عینی به حساب آید. این سلسله‌مراتب، که بیشتر به نفع پژوهش پایه تمام می‌شود تا سیاست‌پژوهی (که کاربردی در نظر گرفته می‌شود)، اهمیت روانی قابل ملاحظه‌ای برای پژوهشگران در همه دانشگاه‌ها دارد. حتی در میان اندیشکده‌هایی که خود را وقف سیاست‌پژوهی کرده‌اند، برخی از آنها به پژوهش پایه بیش از سیاست‌پژوهی ارجح می‌نهند و آرزو دارند روزی در آن حوزه فعالیت کنند، یا از اینکه برای انجام آن مناسب نیستند اظهار تأسف می‌کنند.<sup>۱</sup>

افرادی که برای اندیشکده‌ها کار می‌کنند و خود را وقف سیاست‌پژوهی کرده‌اند، غالباً پیگیر جابجایی به دانشگاه‌هایی هستند که در آنها سمت دائمی متداول است و حس پرستیژ بالاتری وجود دارد. بنابراین برخی از این پژوهشگران علاقه دارند اعتبارنامه‌های مرتبط با پژوهش پایه خود را نگاه دارند، با اینکه این افراد غالباً از روش‌شناسی خاصی که سیاست‌پژوهی به آن نیاز دارد آگاهی ندارند، یا برای انجام آن تعلیم ندیده‌اند، بلکه پژوهش پایه را آموزش دیده‌اند.

در نشست‌های سالانه یک رشته علمی خاص که در آن، یافته‌ها ارائه و ارزیابی می‌شوند، درباره پیشنهادهای شغلی مذاکره صورت می‌گیرد و اطلاعات آنها به اشتراک گذاشته می‌شود، و درباره رتبه‌بندی‌ها تجدید نظر می‌شود، سیاست‌پژوهان معمولاً در آنهایی شرکت می‌کنند که تحت سیطره همکاران پژوهش پایه قرار دارد. و شرکت در نهادهای سیاست‌پژوهی (نظیر انجمن مدیریت و تحلیل

---

۱- این بخش مبتنی بر مشاهدات شخصی نگارنده از سازمان‌هایی نظیر اینها است:

John F. Kennedy School of Government, the American Enterprise Institute, RAND, CATO, the Heritage Foundation, and many others.

سیاست عمومی) بسیار اندک است. بیشتر جایزه‌ها و دیگر پاداش‌های موجود نیز به سمت پژوهشگرانی روانه می‌شود که پژوهش پایه انجام می‌دهند.

به طور خلاصه، اگر چه منطق سیاست پژوهی ایجاب می‌کند که در مقایسه با پژوهش پایه، ارتباطی تر و مفاهمه‌ای تر باشد، اما چنین چیزی در عمل اتفاق نمی‌افتد زیرا آموزش و صورت‌بندی نهادی که سیاست پژوهی تا اندازه زیادی در چارچوب آن انجام می‌شود، به نفع پژوهش پایه است.

## فهرست منابع

- Bardach, E. (۲۰۰۲). Educating the client: an introduction. *Journal of Policy Analysis and Management*, ۲۱ (۱): ۱۱۵-۱۷.
- Berelson, B., and Steiner, G. ۱۹۶۴. *Human Behavior: An Inventory of Scientific Findings*. New York: Harcourt Brace and World.
- Carothers, T. ۱۹۹۹. *Aiding Democracy Abroad: The Learning Curve*. Washington, DC: Carnegie Endowment for International Peace.
- DeJong, W., Wolf, R. C., and Austin, S. B. ۲۰۰۱. US federally funded television public service announcements (PSAs) to prevent HIV/AIDS: a content analysis. *Journal of Health Communication*, ۶: ۲۴۹-۶۳.
- Dunn, W. N. ۱۹۸۱. *Public Policy Analysis: An Introduction*. Englewood Cliffs, NJ: Prentice Hall.
- Etzioni, A. ۱۹۶۸. *The Active Society: A Theory of Societal and Political Processes*. New York: Free Press.
- ۱۹۷۱a. *A Comparative Analysis of Complex Organizations*, rev. edn. New York: Free Press.
- ۱۹۷۱b. Policy research. *American Sociologist*, ۶ (supplementary issue: June): ۸-۱۲.
۲۰۰۳. My Brother's Keeper: A Memoir and a Message. Lanham, Md.: Rowman and Littlefield.
۲۰۰۴. A self-restrained approach to nation building by foreign powers. *International Affairs*, ۸۰: ۱-۱۷.
- Fishkin, J. S. ۱۹۹۷. *The Voice of the People: Public Opinion and Democracy*. New Haven, Conn.: Yale University Press.
- Free Expression Project ۲۰۰۳. *The Progress of Science and Useful Arts: Why Copyright Today Threatens Intellectual Freedom*, ۲nd edn. New York: Free Expression Project; available at: [www.fepproject.org/policyreports/copyright2dconc.html](http://www.fepproject.org/policyreports/copyright2dconc.html) (accessed ۲۷ Apr. ۲۰۰۴).
- Ingleharter, F. J., Relman, A. S., and Findland, M. ۱۹۶۶. *Controversy in Internal Medicine*. Philadelphia: W. B. Saunders.
- Lasswell, H., and Lerner, D. ۱۹۵۱. *The Policy Sciences*. Stanford, Calif.: Stanford University Press.
- Miller, D. W. ۲۰۰۱. Poking holes in the theory of broken windows. *Chronicle of Higher Education* (Feb.): A۱۴.
- Miller, J. ۲۰۰۴. Censored study on bioterror doubts U.S. preparedness. *New York Times* (۲۹ Mar.): A۱۵.



- Mitchell, J., and Mitchell, W. 1969. *Policy Making and Human Welfare*. Chicago: Rand McNally.
- Nelson, B. 1999. Diversity and public problem solving: ideas and practice in policy education. *Journal of Policy Analysis and Management*, 18: 134-55.
- Radin, B. A. 1997. The evolution of the policy analysis Weld: from conversation to conversations. *Journal of Policy Analysis and Management*, 16: 204-18.
- Raver, C. 2002. Emotions matter: making the case for the role of young children's emotional development for early school readiness. *Social Policy Report*, 16 (3): 3-19.
- Roe, E. 1998. *Taking Complexity Seriously: Policy Analysis, Triangulation, and Sustainable Development*. Boston: Kluwer Academic.
- Satloff, R. 2003. How to win friends and influence Arabs. *Weekly Standard*, 18 Aug: 18-19.
- Sch\_n, D. 1983. *The Reflective Practitioner*. New York: Basic Books.
- Scott, J. 1994. Condom ads get direct: use them and get sex. *Atlanta Journal and Constitution* (3 Oct.): B1.
- Star, S. A., and Hughes, H. M. 1950. Report on an educational campaign: the Cincinnati plan for the United Nations. *American Journal of Sociology*, 55: 389-400. איתאי עזיוני
- Weimer, D. L., and Vining, A. R. 1989. *Policy Analysis: Concepts and Practice*. Englewood Cliffs, NJ: Prentice Hall.
- Weiss, C. 1983. Ideology, interests and information: the basis of policy positions. Pp. 213-40 in *Ethics, the Social Sciences and Policy Analysis*, ed. D. Callahan and B. Jennings. New York: Plenum.
- Wilson, J. Q., and Kelling, G. 1982. Broken windows: the police and neighborhood safety. *Atlantic Monthly*, 249 (3: Mar.): 29-38.



انديشكده تدبير آب ايران  
اناق بازار گاني، صنایع معادن و کشاورزی کرمان

نشانی: تهران. خیابان کریمخان. خیابان نجات‌اللہی شمالی.  
روبروی بیمارستان محب یاس. پلاک ۲۱۲. طبقه ۴. واحد ۴.

تلفن: ۸۸۹۴۷۴۰۰ - ۸۸۹۴۷۳۰۰

[www.iwpri.ir](http://www.iwpri.ir)